

کرمان

اوضاع عمومی جنوب شرقی در تحت قواعد و انتظامات معموله است.

کرمانشاه

ظهیرالدوله حاکم همدان در ۲۰ ژوئن وارد کرمانشاه شد و همان روز در تفرقه و حرکت دادن دوهزار نفر متحصنین قنصلخانه اعلیحضرتی موفق و منصور گردید.
قنصل اعلیحضرتی سالارالدوله را روز ۲۲ ژوئن تسلیم ظهیرالدوله داشت و پس از مختصر زمانی او را به مصاحبت سیفالدوله حاکم که از وی شکایت داشتیم به طهران گسیل داشتند. احتمال دارد حکومت کرمانشاه را به ظهیرالدوله تفویض دارند.

شیراز

کلیه اوضاع فارس بطور متوسط منظم است.

نمره - ۳۵

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سیر ادواردگری (۱۲ اوت)

از قلهک ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۷

[چهارم امرداد ۱۲۸۶؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۵]

آقای من

راجع به مکتوب مورخه ۱۲ همین ماه که به دولت ایران نوشته بودم وزیر امور خارجه مراسله جوابیه به تاریخ ۲۳ ماه جاری فرستاده که مشعر است بر تأخیر تأدیه اقساط استهلاك قروض طلبکاران انگلیسی برای مدت سه سال. اکنون با کمال افتخار ترجمه آنرا ارسال حضور می دارم.
(در غیاب سیر اسپرینگ رایس)
(امضا) چارلس م. مارلینگ

در تلو نمره (۳۵)

ترجمه مراسله جوابیه علاءالسلطنه به سیر اسپرینگ رایس

طهران مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۷

[۳۱ تیر ۱۲۸۶؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۵]

جناب شما از اهتمامات مجدانه دولت شاهنشاهی و مجلس مقدس ملی راجع به اصلاح امور لازمه و تعدیل مالیه و نیز توسعه تجارت بخوبی مستحضر می باشید ولی واضح است که این اقدامات را وقت شایسته مناسبی لازم خواهد بود تا منتج نتیجه گردند و اقلاً مدت سه سال وقت لازم است تا بتوان اصلاحات و مقاصدی را که در نظر است بعمل آورد.

از آنجا که مجلس شورای ملی دلگرمی به دوستی دولتین و همراهی دولت بریطانیای

کبیر در ترقی منافع دولت شاهنشاهی دارد لهذا مخصوصاً به وزارت امور خارجه اظهار

داشته که به کمک نمایندگان محترم انگلیس و روس مهلتی در تأدیه اقساط قروض بانکها داده شود یعنی تا مدت سه سال به تأخیر افتد، چنانچه در ظرف این مدت از بابت استهلاك دين چیزی پرداخته نشود مگر منافع آن هر گاه در مدت مذکور اصلاحات مالیه به آن وجهی که در مد نظر است انجام بیاید آن وقت ممکن می شود با يك طریق شایسته ای براقساط استهلاك افزوده و زودتر به ادای دین موفق گردید.

دولت ایران و نمایندگان ملت امید است با این مساعدت دوستانه بتوانند وقت بدست آورده به اصلاحات لازمه بپردازند و خرج و دخل مملکت را بر اساس صحیح مخصوصی قرار دهند. نظر به اعتماد تامی که اولیای ایران به دوستی و نیات حسنه امنای بریطانیا دارند رجای واثق است که آنجناب این مقصود و خواهش دولت شاهنشاهی را از لحاظ رجال مخصوصه بریطانیا گذرانیده در اینخصوص مودت آن دولت را نسبت به دولت ایران مستحکم سازند و چنانچه همیشه منافع دولت شاهنشاهی را منظور نظر داشته اند امید است در این موقع هم که دولت مشغول اصلاحات است بردوستی دولتین بواسطه پذیرفتن این خواهش و نیز معاضدت در این موضوع زاید بر آنچه بوده افزوده شود.

(به امضا و مهر) علاءالسلطنه

نمره - ۳۶

تلگراف سیر ادوارد گری به سیر اسپرینگ رایس

از وزارت امور خارجه - (لندن) - مورخه ۲۸ اوت ۱۹۰۷
[۵ شهریور ۱۲۸۶؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۵]

بدهی دولت ایران به انگلیس

شما مجازید که به اولیای ایران بگوئید دولت اعلیحضرتی در تعویق ایصال اقساط دین تا مدت سه سال و فقط پرداختن ربح آن راضی گردیده مشروط بر اینکه تعهد کنند در استقراض از خارجه ابتدا دولتین انگلیس و روس را مقدم داشته و نیز در ضرابخانه سکه نقره را پس از انتضای قراردادی که نموده اند به دیگری انحصار ندهند.

هر گاه در ظرف این سه ساله از روی جدیت به انتظامات بپردازند دولت اعلیحضرتی اقساط پس افتاده این مدت را ابداً مطالبه نخواهد کرد.

نمره - ۳۷

تلگراف سیر سیر رایس به سر ادوارد گری (اول سپتامبر) ۱۹۰۷
[۹ شهریور ۱۲۸۶؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۵]

دیشب در موقعی که اتابک از مجلس شورا خارج می شد هدف گلوله گردید و چون

سه تیر به وی زده شده بود در بین راه که با کالسکه خویش به خانه اش حمل می نمودند وفات یافت. یکی از قاتلین پس از بقتل آوردن سربازی که می خواست او را دستگیر نماید خود را مقتول ساخته و یکی دیگر از آنها مقید گردید.

نمره - ۳۸

مکتوب سیر سی. اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ۳ سپتامبر)

از قلعه بتاریخ ۲۱ اوت ۱۹۰۷

[۲۹ مرداد ۱۲۸۶؛ ۱۱ رجب ۱۳۲۵]

آقای من

با کمال افتخار خاطر آنجناب را مسبوق می دارم که روز ۲۹ ژوئن در اصفهان مردم یکی از غلامهای مستخدم قنصلخانه اعلیحضرتی را در حوالی جلغا به تهمت مستی کتک زده و شب محبوسش داشتند. صبح روز دیگر او را با یک مکتوب بدون امضا به قنصلخانه فرستادند و شخصی که غلام را تسلیم مستر برنهم داشت نوکر یکی از آقایانی است که حالیه در اصفهان اختیار و اقتدار کلی حاصل نموده. در آن مکتوب تقاضای عزل فوری غلام شده بود. من بفوریت یادداشتهای سخت به دولت ایران فرستاده اشعار داشتم که در مواد معاهده توضیح و آشکار شده مستخدمین قنصلخانه در تحت حمایت انگلیس خواهند بود، بدون امضا و رضایت اولیای امور بریطانیا نمی توان آنها را تنبیه و مجازات نمود. چون اتابک و وزیر امور خارجه اهمیت واقعه را دانستند فوراً وعده ترمیم آن را دادند. بعد شیوه تسامح و غفلت همیشگی بظهور پیوست و من هم واضح داشتم که بر حسب تکلیف مجبور خواهم شد شرح واقعه را به دولت متبوع خود معروض دارم.

در این موقع که دولت ایران می خواهد درخواست معاهده و قراردادی را نموده بدان واسطه دولت انگلیس را در مسئله سرحدی مداخله دهد تقریباً یک نوع بدبختی دیدم که اهالی اصفهان به ضدیت برخاسته از روی لجاجت تمهد معتبری را که پادشاه ایران به نام خدا امضا نموده متزلزل دارند. وزیر امور خارجه و اتابک هر دو خیلی متأسفند ولی بطور واضح می گویند که حکومت مرکزی مطلقاً دارای قدرت نمی باشد. از آن روزی که ظل السلطان ترك اصفهان را نمود آقایان و علماء امور آن ولایت را به ید تصرف درآورده بروفق میل خویش هر آنچه بخواهند صورت می دهند. حاکم قشون و استعدادی ندارد و مجازات اشخاص مقصر منجر به فتنه و آشوبی خواهد شد که محتمل است مسیحیان آنجا دچار خسارات شوند.

من اظهار داشته ام که مسئله مجازات اشخاصی که غلام قنصلخانه را اذیت کرده اند چندی بتعویق افتد و همچنین در خاطر خود باقی خواهم داشت سلوك حاکم را از اینکه اظهار تأسف نموده است. چنانچه مابین ملل متمدنه رسم است شخص اول هر مملکتی در موقع اینگونه اتفاقات محض دلجویی معذرت می طلبد و ایشان این مسئله را هیچ بنظر نیاوردند. ولی حکومت مرکزی آنچه را که می تواند اقدام کند بایستی کوتاهی نماید.

بالاخره قرار شد نایب‌الحکومه و کارگذار که رتق و فتق امور شهر در موقع حادثه مزبوره و تا قبل از ورود حاکم به ایشان واگذار شده بود با لباس رسمی به قنصلخانه آمده ترضیه بخواهند و مبلغ صدتومان به تلافی خسارت بپردازند. این مطلب به همین طریق بختم انجامید.

نتیجه این شد که قنصل دیگر در صدد تحقیق و استنطاق کسانی که بد رفتاری با غلام نموده‌اند بر نیاید زیرا غلام تلافی خسارات را به رضایت خویش دریافت داشته و نمایندگان حکومت مرکزی قرار شده است ترضیه بخواهند. لیکن این حادثه را نمی‌توان مسکوت‌عنه گذاشت و مرتکبین را مجازات نداد. گمان می‌کنم این مسئله وقتی امکان‌پذیر است که قوای آقایان و علما که سوء استعمال نموده در مواقع فاسده بکار می‌برند از ایشان گرفته شود. مجلس از وضع حکومت حاضر اصفهان بخوبی مطلع می‌باشد و آشکارا از نقض معاهده و مخالفتی که جدیداً شده و در آن خصوص معلومات خود را بیان کرده‌ام مذمت می‌نماید. نزدیک است آنروزی که منتظرند در رسد و مصلحت نیست ما خوبستن و یا اتابک را در معرض حملات مالاها که منتهای قدرت را دارا هستند گرفتار نمائیم و چون نمی‌توانیم اردوئی به اصفهان گسیل داریم پس نبایستی در تهدیدات از نقطه معینی تجاوز کرد.

هم‌اکنون مستر استووارت کشیش مقیم اصفهان اطلاع داد که هیچگونه علامت ضدیتی با دعاة انگلیسی دیگر موجود نیست و بدون هیچ تعدی مدارس و مریضخانه ایشان مفتوح و در جریان می‌باشند.

مستر برنهم در موقع حادثه ناگواری که اتفاق افتاد کمال احتیاط و بردباری را بیخرج داده است. من خیلی مشغوف می‌شوم اگر اجازه بیابم از طرف شما وی را تحسین و تمجید نمایم. البته بواسطه این واقعه و جسارت مرتکبین به مقام او توهین وارد آمده و اگر این قبیل اتفاقات دوباره تجدید بیابد آنوقت مطلب محتاج به ملاحظات دقیقه خواهد بود. آنچه تحقیق و تجربه شده است آن‌همه تهدیدات فرقه علما قاعدتاً بموقع اجرا در نیامده و گمان می‌کنم تا یک مدتی به سکوت خواهد گذشت.

(امضا) سیسیل اسپرینگ ریس

نمره - ۳۹

مکتوب سر سی. اسپرینگ ریس به سرادوار گری (وصول سوم سپتامبر)

از قلهك ۱۸ ژوید ۱۹۰۷

[۲۶ تیر ۱۲۸۶؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۵]

آقای من

شرف دارم خلاصه حوادث ایران را که در ظرف ماه گذشته اتفاق افتاده و مستر چرچیل موافق معمول جمع و ثبت نموده ارسال حضور دارم. دولت روس هنوز قصدش احتراز از مداخلات نظامی و ورود دادن قشون است با اینکه کشتیهای کوچک جنگی به اتزلی روانه داشته و بر قوای نظامی سرحدی افزوده است.

وزیر مختار آن دولت به من اطمینان می‌دهد که هر چند نمایش قوه مسلحه و قشونی لازم می‌باشد لیکن اقدامات مختصره ضروری نخواهد رسانید.

رؤسای طرفداران ملت بخوبی دریافته‌اند که اگر مستمسک و بهانه‌ای به دست دول اجنبی بیاید حتماً مداخله خواهند نمود لهذا آنچه می‌توانند در مسالمت با خارجه و ممانعت از هر گونه حمله و تعرض به اتباع آنها فرو گذار نمی‌کنند.

عمل مالیه ترقی نیافته. کسادى و بی‌پولی در بازار شدت یافته. بانک ملی هنوز سرمایه‌ای تحصیل نکرده ولی وزیر مالیه به امید کمک و همراهی یافتن در اصلاحات مشغول کار شد و مجلس را وادار به قبول خواستن مستشاری از خارجه نموده که اسماً برای بانک ملی ولی معناً مستشار دولت باشد. پس از کوشش بسیار عاقبت دولت راضی گردید که از فرانسه يك نفر مستشار بطلبد.

تاکنون بدهی دولت به بانک شاهنشاهی پرداخته نشده ولی از وزیر مالیه شنیدم که در فراهم ساختن ادای اینگونه قروض سعی می‌باشند.

وزیر مالیه استعفای خود را از وزارت با اینکه پذیرفته نگردیده داده است و بشرطی آن را مسترد می‌دارد که شاه و مجلس توأماً متعهد شوند قانونی را که برای اصلاح مالیه وضع و بهمین زودی تقدیم ایشان خواهد داشت بپذیرند.

مجلس هنوز انعقاد می‌یابد و در ضمنی که مردم برای جشن اعطای مشروطیت با يك حرارتی مناظر با شکوه ترتیب داده بودند مجلس نیز به گرفتن جشن و تشریفات پرداخت ولی تابحال کار مفیدی انجام نداده و تمی‌دهد. جلساتش بی‌نظم است و هیچ‌وقت از مذاکرات خود نتیجه قطعی حاصل نمی‌کند. مخالفت مخفیانه شاه و دوستانش با کمال مهارت و تردستی بتوسط قسمتی از فرقه ملاحا که پول گزاف دریافت می‌دارند بظهور می‌رسد و تا اندازه‌ای مظفریت یافته بر جرئت و جسارت قوای استبداد افزوده شده ولی رؤسای ملت از این دشمنان در خوف و هراس نبوده با قلبی مستحکم بیان می‌کنند که از این بعد ممکن نیست دیگر سلطنت استبدادی در ایران اعاده نماید.

دشمن عمده مجلس اعضای خود آن است. انتظامات کلیه و اقتدار و اعمال عمومی و نیز قوه نفس‌کشی بهیچوجه وجود ندارد.

این مسئله حس شده است که اگر مجلس يك عمل معین مشخصی را نتواند سرمشق خود قرار دهد بی‌شبهه مردم سلب اطمینان از آن خواهند نمود و حتی دولت و مخالفین هر دو متفقند که اگر شاه سر تسلیم پیش نیاورده موافقت ننماید مسلماً هر اقدامی که در اصلاحات نمایند بی‌نتیجه خواهد بود و امکان ندارد کاری از پیش برده شود. بنابراین مجلس مصمم گردید يك هیئتی را به اسم نماینده حضور شاه بفرستد و با کمال عجز استدعا کنند که آن اعلیحضرت اعتماد خود را نسبت به وکلای ملت مشهود ساخته از روی واقع و صمیمیت در نجات ملت معاضدت فرمایند. لیدر (رئیس) مخالفین به من ثابت داشت که شاه چنان دشمن اساس حاضره است و ضدیت در تمام عروق او ریشه دوانیده که هرگز تن به همراهی نخواهد داد مگر اینکه از خارجه او را حمایت نکنند یعنی بنابر عقیده او اگر دول خارجه ایران را به حالت خود باقی گذارند شاه مجبور به موافقت و تسلیم

شده آنوقت مجلس به هر کاری اقدام نماید منتج نتیجه خواهد گردید. یکی از اعضای دولت و دوست صمیمی اتابک همین عقیده را اظهار می نمود.

اتابک بواسطه ملول بودن و هراس از جان خویش و نداشتن اعتماد به شاه با نهایت میل مذاکره استعفای خود را می نماید. چون وی واسطه بین شاه و مردم یعنی از حیث مقام دومین شخص و صاحب تجارب کثیره و عالم بر کیفیات مملکت است لهذا می توان از وجود او فایده حاصل نمود لیکن رفع اشکالات را فقط به فراهم آمدن یک مقدار پول می داند و در حقیقت نبودن پول سبب پیش رفتن کارها و عدم انتظامات خواهد بود. وزیر جنگ معزول گردید و به جای او شخص دیگری را منصوب ساخته اند. راه اصفهان بتوسط دزدها که سعی در سرقت پست دارند مسدود شده است.

ملاها و ولایت اصفهان را قبضه نموده به میل خود حکومت می نمایند ولی نمی توان گفت بی نظمی از آنچه سابق روی می داد حالیه زیاده تر و یا خطر بخصوصی برای اتباع خارجه موجود باشد. مع هذا اگر این ترتیبا مدتی بطول انجامد و اصلاح مالیه را از عهده بر نیایند احتمال دارد منجر به مداخله اجانب شود و فقط همین کار وسیله خواهد شد که در استقرار نظم اهتمام نمایند. مردم و از آن جمله شاه مشتاق یک چنین روزی می باشند و حاضرند آن را استقبال کنند و جمعیت کثیری برای رفع بهانه و منع از مداخله اجانب معین شدند لیکن نمی توان گفت ایشان تا کنون به قصد آن باشند که از روی میل و اراده منافع و مقاصد شخصی خود را فدای نیک بختی ملت نمایند. کسانی که به تماشا و مناظره اوضاع همی مشغولند عقیده شان بالاتفاق این است که هیجان وطن دوستی ملی اشتعال یافته و آن یک رویه و اساسی است که پلتیک ایران را بخطر خواهد انداخت.

(امضا) سیسیل اسپرینگ ریس

ملفوف نمره ۳۹

خلاصه حوادث یکماهه

اوضاع عمومی

شمال ایران به حالت تزلزل باقی ولی سایر قطعات مملکت ظاهراً ساکت است و در اوضاع طهران هیچگونه تغییری روی نداده.

آذربایجان

در تبریز سکوت و آرامی مداومت دارد لیکن ماه گذشته خبر رسید که مجدداً طغیان اغتشاش در اردبیل بظهور پیوست. مردم به خانه آگت^۱ روس حمله آورده آنجا را غارت کردند و در آستارا اینیه ماهیگیرهای روسی را سوزانیدند. چون نظام الملک آن قوه را نداشت که از عهده ممانعت این اوضاع بر آید لهذا شاهراده فرمانفرما را که وزیر عدلیه بود معجلاً بصوبه آذربایجان از راه انزلی روانه داشتند تا حکومت آن ایالت را از نظام الملک گرفته خود به فرمانروایی آنجا اشتغال ورزد.

(۱) آگت = مأمور سفارتخانه - کارمند - مزدور.

رشت

مختصر اغتشاش در مجال اطراف اتفاق افتاد لیکن شهر آرام بود.

اصفهان

مأمور شیخ فضل‌الله از طهران بدین جا وارد گردید که برضد مجلس فرقه‌ای تشکیل دهد. مشارالیه مجلسیان را بابی و بی‌دین می‌خواند و بعلاوه می‌گوید این اساس پارلمانی که گسترده شده نتیجه‌اش برچیدن بساط مذهب اسلام است. از قرار معلوم مجلس طهران نیز یکنفر نماینده فرستاده که اقدامات مأمور شیخ را خنثی نماید.

آقایان نفوذ خود را دارا می‌باشند بحدی که حاکم اظهار می‌کند نظر به مخالفت آقایان یعنی آقا تجفی و برادرش عاجز است از گرفتاری اشخاصی که غلام قنصولخانه را زده‌اند.

سیستان

ملاها بنا بر موافق انجمن ولایتی بسی موعظه نموده و در این موضوع تلگرافات چند مابین ایشان و مجلس طهران مخابره شده آنچه معلوم است این جنبش محصور به فرقه علما می‌باشد در صورتیکه حاکم محلی مخالفت و ضدیت می‌کند.

کرمانشاه

شهرتا آن مقداری که مربوط به احزاب است آرام ولی دزدی و قتل دائم‌الوقوع است و هنگام شب برای تردد عابرین در شهر امنیت نیست.

بوشهر

مدت این چند ماه اخیره شیوع بی‌قانونی در بوشهر طرف توجه واقع شده و آن را به عدم کفایت حاکم نسبت می‌دهند.

در این تازگی دلاک سپاهیان مأمور مقیم را در دو میلی شهر در شاهراه لخت نمودند و در شهر خانه یکی از اعضای کمپانی انگلیسی را شکسته داخل شده‌اند و متجاوز از هفتاد لیره اجناس بسرقت برده‌اند.

(امضا) چرچیل

از قلهک پانزدهم اوت ۱۹۰۷

[۲۳ ماه امرداد ۱۲۸۶؛ ۵ رجب ۱۳۲۵]

ضمیمه خلاصه وقایع ماهیانه

قنصل جنرال دولت فخمیه ، مقیم اصفهان ، تلگراف می نماید که بواسطه ناامنی راهها تجارت مفلوج گردیده. دستجات معظمی از بختیاریها راه بین سوء و نظام آباد را اشغال نموده اند و در همان تلگراف می گوید هفته گذشته هر آنکس عبور از آن راه کرده گرفتار دزدها شده است و از جمله دو پست را بسرقت برده اند و حاکم اظهار عجز می نماید.

(امضای مختصر) چی. پی. سی.

طهران پانزدهم اوت ۱۹۰۷

نمره - ۴۰

تلگراف سیر ادوارد گری به سیر اسپرینگ رایس

از وزارت امور خارجه (لندن) ۷ سپتامبر ۱۹۰۷

[۱۵ شهریور ۱۲۸۶؛ ۲۸ رجب ۱۳۲۵]

آقا

شما با وزیر مختار دولت روس بایستی متفقاً مکتوبی به مضمون واحد رسماً موافق مطالب ذیل به دولت ایران ارسال دارید.

«چون دولتین انگلیس و روس مایلند از آنچه سبب اختلاف و تضاد بین مصالح و منافع آن دو دولت در قطعات معینه ایران یعنی از طرفی متصل یا مجاور به سرحدات روس و از طرف دیگر به حدود بلوچستان و افغانستان اجتناب ورزند لهذا در این موضوع قرارداد دوستانه ای امضاء نموده اند.

«دولتین بواسطه این قرار داد در مقابل یکدیگر تقبل می نمایند که استقلال تامه و تمامیت ایران را رعایت کنند و اظهار می دارند که نه فقط صمیمانه مایل به استقرار دائمی منافع صنعتی و تجارتي سایر ملل بطور تساوی بوده بلکه خواهان ترقی مسالمتانه مملکت ایران نیز می باشند.

«بعلاوه هر يك از دولتین متعهدتین تعهد می کنند که هیچ قسم امتیازی در نواحی متصل یا نزدیک به حدود دیگری تحصیل ننمایند.

«نظر به اینکه در آتیه سوء تفاهمی حاصل نشود و بملاحظه اینکه وضعی در امور ایجاد نگردد که بعدها از جهتی دولت ایران را دچار موقع مشکلی نماید لهذا قطعات سابق الذکر صراحتاً در قرارداد تعیین شده است.

«ضمناً مالیاتهایی که تخصیص به تأمین قروض دولت ایران به بانک استقراضی و شاهنشاهی داده شده اعتراف می نمایند و تصدیق می کنند که در آتیه کماکان مالیاتهای مزبوره تأمین قروض را نمایند و در صورت مشاهده بی ترتیبی در تأدیه اقساط استهلاك و یا منافع قروض مذاکوره دولتین بعهد می گیرند که بوسیله قرارداد متفق علیه اقداماتی که برای تأسیس کنترل لازم باشد معین گردانند و دوستانه تعاطی نظریات نموده و از هر گونه مداخله ای که با اصول اساسی قرار داد منافات داشته باشد احتراز جویند.

«دولتین در امضای قرارداد با عزم ثابت این اصل اساسی را در نظر داشته که استقلال و تمامیت ایران کاملاً و مطلقاً رعایت گردد. یگانه مقصود از این قرارداد همانا اجتناب از هر گونه سبب و سوء تفاهم بین طرفین متعاهدتین در زمینه امور ایران می باشد. بر دولت شاهنشاهی معلوم و ثابت خواهد شد که قرارداد فیما بین روس و بریتانیای کبیر باعث ازدیاد سعادت، امنیت، بالاخره ترقی و تعالی ایران به بهترین شکلی خواهد بود.»

بایستی از دولت ایران خواهش نمود که این اطلاع را محرمانه فرض کنند تا زمانیکه در اینجا طبع و نشر شود.

اگر تحقیق مفاد و معنای قطعات متصله به حدود دولتین را بنمایند شرح ذیل را نزد ایشان ارسال دارید.

«خط روس ابتدا از قصر شیرین شروع و از اصفهان، یزد، و کالخ [= کاخک] عبور نموده آن بلاد را شامل و بالاخره در نقطه ای از سرحد ایران که در آنجا حدود روس و افغان تقاطع می نمایند منتهی می شود.

«خط انگلیس شروع از سرحد افغان شده از طرف غازیک، بیرجند و کرمان گذر کرده در بندر عباس با آنها می رسد.»

نمره - ۴۱

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سرادوردگری (وصول ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۷)

از قاهک مورخه ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

[۲۱ شهریور ۱۲۸۶؛ ۴ شعبان ۱۳۲۵]

آقا

موافق دستوری که آنجناب مورخه ماه گذشته راجع به تعویق تأدیة اقساط استهلاك تسلی مدت سه سال داده بودند یادداشتی به زبان فارسی به وزیر امور خارجه و وزیر مالیه ایران ارسال داشتیم که اکنون ترجمه آن را لفاً با کمال افتخار معروض می دارم. ولی دولت ایران تاکنون از رسیدن آن اطلاعی نداده است.

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

ملفوفه نمره ۴۱

(ترجمه یادداشت) سراسپرینگ رایس به پرنس علاءالسلطنه

از قاهک سی و یکم ماه اوت ۱۹۰۷

[۸ شهریور ۱۲۸۶؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۵]

خدمت حضرت اشرف

سواد یادداشت مورخه ۲۳ ژوئیه حضرت اشرف را راجع به خواهش دولت ایران از دولت فحیمه انگلیس که در تعویق اقساط استهلاك دین تا مدت سه سال مساعدت شود به دولت

متبوعه خودم انهاء^۱ داشتم.

دولت فخریه از شنیدن اینکه دولت شاهنشاهی و مجلس مقدس ملی مشغول اقدامات مجددانه در اصلاحات لازمه و تعدیل مالیه و نیز توسعه تجارت می باشد مشغوف و خرسند شده است و اینکه بیان نموده اند برای این اقدامات مدت شایسته مکفی اقلای سه سال لازم باشد تا بتوان به اصلاحات و مقاصدی که در مد نظر است موفق گردید مورد توجه افتاد.

عقایدی که حضرت اشرف از طرف مجلس ملی راجع به دوستی موجوده بین دولتین اظهار فرموده بودید کمال قدرشناسی را نموده دولت متبوعه من نیز همان عقاید را داراست و پس از آنکه مضامین شما را با آن دلایل خوبی که اقامه کرده بودید ملاحظه نمودند به من دستور دادند که خواهش دولت ایران را در خصوص تأخیر سه ساله تأدیه قروض بپذیرم. چنانچه در ظرف این مدت چیزی از بابت استهلاك دین پرداخته نشود مگر منافع آن تا آنکه دولت ایران و نمایندگان ملت وقت یافته به اصلاحات لازمه و اجرای آن بپردازند و دخل و خرج مملکت را بر پایه صحیحی قرار دهند.

بایستی خاطر نشان نمایم که دولت اعلیحضرتی در ازاء قبول این خواهش چنین می فهمد که شروط ذیل ملحوظ خواهد افتاد:

اولاً، معلوم است که دولت ایران موافق قانون کلی دائن و مدیون هیچ قرارداد استقراض جدیدی با خارجه نخواهد نمود مگر آنکه حق تقدم را با همان شروطی که در استقراض با دیگری می نماید به وام خواهان خویش یعنی انگلیس و روس بدهد. دلیل این شرط بر شما واضح می باشد زیرا بر حسب قانون و عادت مرسومه هر مدیونی که با دائن قراردادی می کند بایستی بدون اینکه ابتدا حق تقدم را به طلبکار اولیه خود بدهد از محلهای دیگری استقراض نماید.

ثانیاً، معلوم است که دولت ایران نظر به آزادی منافع تجارتنی حفظ خواهد نمود قولی را که اتابک در بیست و هفتم اکتبر ۱۹۰۱ [چهارم آبان ۱۲۸۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۱۹] داده بود و امسال هم آن را تصدیق داشته اند که «دولت ایران انحصار سکه نقره را در ضرابخانه دولتی به هیچ کس امتیاز نخواهد داد و نیز با تمام اشخاصی که نقره وارد می نمایند خواه ایرانی باشند و یا غیر آن بطور تساوی و بدون تفاوت رفتار خواهد کرد.

ثالثاً، دولت اعلیحضرتی خواهش دولت ایران را پذیرفته و از حقوقی که بر طبق تعهد بر آنها تعاق گرفته صرف نظر می نمایند تا دولت و مجلس وقت بتوانند یافت که به اصلاحات لازمه پرداخته خرج و دخل مملکت را بر اساس صحیحی بگذارند. مع هذا اگر دولت فخریه انگلیس اطلاع بیابد که سعی و کوشش جدی در اجرای آنگونه اصلاحاتی که می گوئید بعمل آورده نشود آنوقت با کمال افسوس حق مطالبه تأدیه اقساط پس افتاده استهلاك دین را در هر موقعی از این سه سال آتیه خواهد داشت.

(امضا) سیسیل اسپرینگ راپس

نمره - ۴۴

قسمتی از مکتوب سیراسپرینگ رایس به سرادواردگری (وصول ۳۰ سپتامبر)
از قلهک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷
[۲۱ شهریور ۱۲۸۶؛ ۴ شعبان ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار معروض می‌دارم که اتابک درسی‌ام ماه گذشته هنگام شب به ملاقات من آمد و مفصلاً از اوضاع سیاسی گفتگو نمود.

مفهوم بیاناتش این بود که شاه از ضدیت دست خواهد کشید و مخالفت را متروک می‌دارد، مجلس با دولت موافقت خواهد نمود و چندی نمی‌گذرد که دولت خواهد توانست بی‌نظمی که سراسر مملکت را فرا گرفته مرتفع سازد. من روی را بدینگونه مشعوف و در حال وجد و امیدواری هیچگاه ندیده بودم.

روز دیگر اتابک با وزراء حضور شاه شرفیاب گشته مجتمعاً استدعا نمودند که یا استعفای ایشان را پذیرفته و یا از روی واقعیت متعهد گردد که با هیئت دولت و مجلس اتفاق و همراهی فرماید. پس از اخذ تعهد کتبی همگی به مجلس رفتند و در آن روز مذاکرات مجلس کلیتاً مبنی بر اتفاق و رضایت بخش بود. اتابک دستخط شاه را قرائت نمود و گفت اکنون دولت و مجلس می‌توانند داخل در کار شده جداً به عمل اصلاحات بپردازند. جزئی ایراد و مخالفتی خواست بظهور رسد و لیکن از آن جلوگیری گردید. اکثریت مجلس همراهی خود را با دولت اظهار داشت. خلاصه اتابک از مجلس برخاست و باتفاق آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ بیرون آمد. چون به درب خارجی صحن عمارت رسیدند بمحض جدا شدن از یکدیگر اتابک هدف گلوله و در سر تیر مقتول گردید. یکی از حمله‌کنندگان که گرفتار آمد دستگیر کننده را مجروح ساخته فرار کرد و دیگری چون خویشان را محصور یافت خود را به ضرب گلوله هلاک نمود. جسد اتابک را در کالسکه شخصی خود بهمراهی دو نفر سید حمل کردند و در خانه شهریش قرار دادند و به تهیه لوازم مجلس ترحیم پرداخته گردید لیکن چون مکتوبات تهدیدآمیز بدون امضای فرستاده شده مشعر بر اینکه اگر رسومات تعزیه‌داری را فراهم آورند هرآینه آن خانه را از بنیان برانداخته ویران خواهند ساخت لهذا از ترس مراسم تعزیه‌داری را موقوف داشتند و بنابر اطاعت امر شاه، اول ماه جاری به هنگام شب جسد اتابک را با کمال آرامی و سکوت بیست و پنج ساعت پس از مقتول گردیدن و چهار ماه بعد از مراجعتش به ایران بطرف قم حرکت دادند. خبر قتل وی را نیم‌ساعت پس از وقوع آن بتوسط یکی از اجزای بانک شاهنشاهی موسوم به مستر برون اطلاع یافتیم. فوراً مستر چرچیل بطرف خانه بیلاقی شناخت که خانواده‌اش را از این حادثه مطلع سازد. من خود نیز به سفارت روس رفته مسیو دوهارتویک را در آنجا ملاقات کردم و متفقاً قرار دادیم که در این مسئله اقدامی نشود مگر آنکه منشیهای شرقی سفارتین را به حضور شاه روانه داشته اظهار تأسف از این واقعه بنماییم و اگر از ما صلاح اندیشی کند بگوئیم بهتر آنست از آنگونه کارهایی که سبب هیجان افکار عمومی

خواهد گردید مانند منفصل نمودن مجلس و یامقید ساختن و کلاً اجتناب بورزد و تا ممکن است این قضیه را واگذار به وزراء و مجتهدین و به مجلس نماید.

روز دیگر مستر چرچیل با همقطار روسی خود خدمت شاه شرفیاب گردید. اعلیحضرت ایشان را با حضور وزیر امور خارجه فوراً بار داد و آنها پیغام تأسف و تالم ما را تقدیم نمودند و شاه مختصر جوابی به عبارات رسمی بیان فرمودند. معلوم بود که نه شاه از مرگ ناگهانی رئیس الوزرا چندان ملول و نه درباریان از بابت آن افسرده حال بودند. و شاه از ملاحظات اوضاع سیاسی هیچ فتح باب سخن ننموده و این شرفیابی فقط به رسومات ساده در گذشت.

تا چندی قبل در جراید محلی و افواه شایع بود که اتابک مخفیانه باشاه سازش نموده که مجلس را برچیند و مملکت را به روس بفروشد و نیز از اعضای مجلس اظهاراتی بهمین مفاد به من رسید. هیچ شکی نیست که احساسات برضد اتابک منتها شدت را دارا بوده.

یکنفر طبیب فرانسوی که یکی از حمله کنندگان به اتابک را چندی قبل از وقوع قتل معالجه نموده بود به مستر چرچیل حکایت و مسام می داشت که آن شخص و دوستانش از مردمان سلیم، آرام، و از محترمین اواسط الناس و بواسطه حس وطن پرستی چنان مشتعل بودند که خان خود را در خدمت مملکت خویش برای فدا ساختن حاضر داشتند.

تا چندی گذشته تاخت و تاز بر اتابک منتهی درجه شدت را یافته جالب دقت عامه گردیده بود. این مسئله در مجلس موضوع مذاکره واقع شده آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ در سرزنش سعدالدوله که محرک هیجان ضدیت با اتابک دانسته شده بود نطق آتشینی نمود و رئیس مجلس اظهار داشت که اگر اتابک استعفا بدهد هر آینه او نیز استعفا خواهد داد زیرا مستعفی شدن اتابک هیچ مدلول وجهتی نخواهد داشت مگر انفصال فوری مجلس. اکثریت مجلس با اتابک همراه بود ولی افکار عامه این همراهی را شاهد طرح يك نقشه و تدبیر سوئی مابین اتابک و اکثریت مجلس که گمان شده بود به گرفتن پول رام شده اند پنداشته چنانچه در مورد آقا سید عبدالله این مسئله را حتمی می دانستند. در شهر هیجان مردم روبه ازدیاد نهاد و دشمنان اتابک آتش فتنه را برای پیشرفت مقاصد خویش روشن می نمودند. طبیعی بود که با این اوضاع اقدامات شدیدتری پیش خواهد آمد.

از قرار معلوم مفتنین با یکی از انجمنهای سری که در طهران عده آنها بسیار است رابطه داشته اند و برخی از کسان خویش را که هم پول فراهم آورده و هم اطلاع از اخبار مهمه دربار می دادند و ادار به دخول در عضویت آن نمودند. اکنون سهل گردید که اعضای انجمن را متقاعد سازند به اینکه فقط راه نجات مملکت در اعدام اتابک است که با شاه مخفیانه در خرابی کوشش می نماید و عنقریب مجلس را در تحت اقتدار خویش در آورده به کمک رئیس مجلس قرضه دیگری از خارجه استقراض خواهد نمود. احکام اعدام وی صادر گردید و در همان روزی اجرا یافت که ظاهراً به مظفریت خویش نائل آمده بود. عموم مردم وقوع این قتل را تمجید می کردند و حمله کنندگان را ناجی مملکت می خواندند. در تبریز کوچه ها را چراغان نموده و آئین بستند.

اما نتیجه‌ای که از قتل اتابك منتج خواهد شد همانا گسیخته شدن رشته امور و تا مدتی عدم انتظام در قواعد حکومت خواهد بود و افکار عموم قتل اتابك را از روی استحقاق می‌پندارند و اکنون در ایران حس وطن‌پرستی و تصمیم در معدوم ساختن هر ایرانی که مظنون به شود اقدام در فروش مملکت خویش می‌نماید چنان اشتعال و قوتی دارد که از این پیش هرگز وجود نداشته و يك عنصر جدیدی است که در حیات ایرانی پدیدار گردیده. ممکن بود این احساسات را برای برداشتن يك وزیر عمده‌ای بکار برده باشند ولی واضح است که هیچیک از اولیای سیاست نمی‌تواند این حسیات را به نظر حقارت بنگرد.

نمره - ۴۳

مکتوب سراسپرینگ رایس به سرادوارگری (وصول ۳۰ سپتامبر)

از قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷
[۲۱ شهریور ۱۲۸۶؛ ۴ شعبان ۱۳۲۵]

آقا

اوضاع بدتر گردیده و بی‌نظمی مملکت بواسطه مردن اتابك افزایش یافته است. اصفهان در تحت تصرف واقتدار ملاهای بزرگ که مردم را تحريك و اتباع خارجه را تهدید می‌نمایند درآمد. راه مابین اصفهان و قم را دسته‌ای از یختیاریه‌های مسلح اشغال کرده و قوافل و پست را سرقت و مسافرین را اذیت می‌نمایند و مخصوصاً راه تجارت را بر پایتخت مسدود داشته و احکام واقتدار دولت را بهیچ می‌شمرند. از قراری که کاپیتن لوریم می‌گوید انگلیسهای مستخدم اداره کمپانی نفت در معرض مخاطره عظیمی واقع شده‌اند. هنوز در پرداخت و ایصال منافع طلب انگلیس هیچ اقدامی ننموده‌اند. درآمد گمرکات بوشهر را که برای منافع قرضه مذکور تأمین داده شده بود دولت به مصرف دیگر می‌رساند و حتی عملکرد گمرکات کرمانشاه که از ابتدا جهت تأدیه این مسئله معین شده بود اکنون با کمال بی‌ترتیبی به بانک شاهنشاهی ایصال می‌دارند و چون مالیات از ولایات وصول نمی‌شود لهذا غیر از عایدات گمرکات برای دولت محل عایدی دیگری موجود نیست و شاه بصعوبت مخارج شخصی خود را فراهم آورده و ملازمانش اتصالاً از خدمت تعطیل می‌نمایند. در این تازگی هیئتی مشیرالدوله را ملاقات و به وی تکلیف به پذیرفتن شغل نموده مشارالیه از قبول آن امتناع می‌داشت مگر اینکه پول به او برسانند و می‌گفت هرگز مسئولیت خطرناك استقراض از خارجه را به عهده نخواهد گرفت و اگر اهالی ایران تدارك سرمایه لازمه برای اجرای امور دولت نبینند^۱ و یا راضی نشوند که دولت از نقاط دیگر تحصیل آن را نماید طولی نخواهد کشید که تشکیل هر کابینه غیر ممکن خواهد گردید. از موافقت با مجلس که البته بدون آن حالت هرج و مرج مداومت خواهد یافت هیچ علامت و قرینه‌ای مشهود نیست. انجمنهای سیاسی که در حقیقت حکومت و فرمانفرمایی

مملکت را می‌نمایند کمال بی‌اعتمادی را از شاه و وزرای او دارند و معروف است که شاه با مشروطه جداً مخالف و ضد می‌باشد. احتمال دارد بواسطهٔ اوضاع کنونی بر منافع انگلیس ضرر وارد آید. شاید يك کابینهٔ موافق اساس مشروطیت تشکیل یابد که دارای قوه و قدرت کافی باشد که رفع بی‌نظمی را نموده مالیات را جمع‌آوری کند و گمان می‌کنم مصلحت است تا چندی منتظر اتفاقات آتیه بشویم چنانچه اگر تا بهار آینده بهبودی حاصل نگردید آنوقت آن دولتهائی که علاقهٔ عمده دارند برای حفظ منافع خویش در صورتیکه خالی از اهمیت نباشد به اقدامات لازمه شروع نموده لکن به عقیدهٔ من در آن ضمن نایستی طوری اقدام گردد که عصبیت عامه بهیجان درآید.

(امضا) سیسیل اسپرینگ ریس

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۴

مکتوب سراسپرینگ ریس به سرادواری (وصول ۳۰ سپتامبر)

از قلهک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

[۲۱ شهریور ۱۲۸۶؛ ۴ شعبان ۱۳۲۵]

آقا

افتخار دارم خلاصهٔ حوادث یکماهه را در تلو همین عریضه حضور آنجناب معروض دارم. صنیع‌الدوله که اتابک را همراهی نموده و مخالفت مجلس را نسبت به مشارالیه بطور موقتی مرتفع ساخته بود اکنون استعفا داده است و احتشام‌السلطنه که مأمور کمیسیون سرحدی تسویهٔ حدود مابین ایران و عثمانی شده بود و بتازگی از موصل مراجعت نموده به‌جای صنیع‌الدوله به ریاست مجلس انتخاب گردید، چندی در برلن از طرف ایران وزیر مختار بود و مخصوصاً بواسطهٔ رفتار دلیرانه‌اش که در ماه مه (۱۹۰۶) [اردیبهشت ۱۲۸۵؛ ع ۱ - ۱۳۲۴] آشکارا خواستار تجدید گردیده و بدان جهت تبعیدش نموده بودند شهرتی یافته است و گفته بود که من «برای کاریکه پایستی انجام بیابد و نیز جهت آزادی مردمان ایران ایستادگی کرده خود را وقف این مقصود خواهم گردانید»، بلاشبهه مردی است صاحب عزم و جرئت و ریاستش در مجلس با این اوضاع کنونی دارای اهمیت بوده و یقیناً اسباب پیشرفت نفوذ پارلمنت خواهد گردید.

(امضا) سیسیل اسپرینگ ریس

ملفوف نمره - ۴۴

خلاصه وقایع یکماهه

طهران

اتابک اعظم در ۳۱ ماه اوت چنانچه مفصلاً در مکتوب جداگانه راپورت داده شده بود بقتل رسید.

مجدداً کابینه موافق ذیل تشکیل یافت:

کابینه جدید	کابینه قدیم	
مشیرالسلطنه	اتابک اعظم	داخله
سعدالدوله	علاءالسلطنه	وزارت امور خارجه
قوامالدوله	ناصرالملک	مالیه
مشیرالدوله	علاءالملک	عدلیه
بدون تغییر	مستوفی الممالک	جنگ
مجدالملک	وزیر همایون	تجارت
نیرالملک	مخبرالسلطنه	معارف
بدون تغییر	مهندس الممالک	فوائد عامه
نظامالملک	وزیر مخصوص	حاکم طهران

تبریز

اوضاع در ظرف ماه گذشته هم‌روزه روی بدبهبودی نهاده و اکنون به حالت عادی جاری است. راپورتی که از خوی رسیده اشعار می‌دارد که اغتشاشات منجر به خونریزی گردیده است. فرمانفرمای جدید آذربایجان در اجرای امور با انجمن متفق و مساعد می‌باشد و چون قیمت نان را تنزل داده لهذا طرف قدرشناسی اهالی واقع شده است.

اصفهان

راههای سمت اصفهان بواسطه دزدان بکلی برای مسافرین ناامن گردیده. پستی که اول ماه اوت بطرف طهران روانه گردیده بود مابین اصفهان و طهران در نظام آباد بسرقت رفت. این دومین سرقتی است که در ظرف پنج هفته در همین نقطه اتفاق افتاده. دو نفر روسی را در دو موقع دزد زده و یکنفر کشیش ایتالیایی و عامل رژی توتون که اروپایی و جدیداً فرستاده شده با جمعی از آرامنه و سایرین نیز گرفتار سرقت آمدند. عده دزدها از قراری که گفته می‌شود سی نفر می‌باشند و آشکارا در نزدیک طرق چادر زده و همینکه گاری و یا کالسکه‌ها در آنجا توقف می‌نمایند فوری برای تحقیق از حال آنها جاسوس می‌فرستند. برای مجلس بتوسط همان اشخاصی که اموالشان را بسرقت می‌برند کاغذ ارسال می‌دارند و در آن اسامی خود را نوشته مجلس را به مبارزت می‌طلبند که اگر می‌تواند آنان را از آن نقطه متفرق سازد.

عموماً مذکور می‌شود که این دزدها از اتباع صمصام السلطنه ایلیخانی بختیاری می‌باشند و ریاست دزدها را به غریب‌خان میرآخور ظل‌السلطان نسبت می‌دهند. قنصل جنرال اعلیحضرتی برای عبور کاروانهای لینچ از این راه سعی نموده که تحصیل امنیت نماید. صمصام السلطنه که بحکم اتابک مرحوم مأمور تنظیم و تأمین این راه گردیده بود

معنوم شد مایل به اقدام در این کار نیست و حاکم اصفهان عدم مسئولیت خود را کتباً اظهار داشت. مع‌هذا مشارالیه چند نفر قزاقی با قره‌سوران^۱ در راه فرستاد و دو پست سالمأ از آنجا عبور کرده وارد شد. ناامنی راه مانع است از اینکه مسترلینچ حمل مال التجاره نماید. در راههای بختیاری و سلطان آباد نیز سرقتهای بظهور پیوسته و از قراری که راپورت داده‌اند در راه بین اصفهان و شیراز سه پست را در دهات از ترس دزدهائی که آن راهها را اشغال کرده‌اند مخفی داشتند.

شهر اصفهان کاملاً بی‌نظم است. اتباع آقایان هفته‌ای دو روز در میدان بزرگ نمایش می‌دهند و اکثر آنها با اسلحه آتشی می‌باشند و اتصال برعهده آنها افزوده می‌شود زیرا از دهاتی که متعلق به دیگران است رعایا از برای اینکه در حمایت آقایان بوده و از دادن مال‌الاجاره و یا آنچه بدهی ایشان است سرتافته و رهایی بیابند به اسم «فدائی» به ایشان ملحق می‌شوند. این اشخاص را اجزای افواج سابق ظل‌السلطان مشق می‌دهند که برای همین مقصود ایشان را در هر جا که بوده‌اند تجسس کرده به این کار گماشته‌اند.

روز سیزدهم اوت [۲۱ ماه امرداد؛ ۳ رجب] جمعی از سادات و تجار داخل انجمن ولایتی گردیده گفتند باید بدانیم به چه جهت آقایان حمل غله و گندم را به یرد منحصر به خود نموده‌اند. به حکم آقانورالله آن جماعت را زدند و از آنجا خارج ساختند. چون آقایان سعی کردند که بر قیمت نان بیفزایند مردم برضد ایشان احساسات سخت بروز داده ولی بواسطه انتشار خبر مراجعت ظل‌السلطان مرتفع گردید و مسئله آمدن وی باعث شد که بازارها را بستند و به شاه تلگراف نموده از آمدن وی پرتست کردند.

شش نفر سید به سمت نمایندگی مقرر گردید که صورت تلگرامها را به جنرال قنصلگری آورده خواهش نمایند که بتوسط سفارت به شاه مخابره شود. چون ابواب قنصلخانه را بسته یافته و از دخول بدانجا ممنوع آمدند لهذا بجانب قنصلخانه روس رو آوردند. مسیو لیس آوسکی تلگرافشان را ارسال داشت ولی از قبول ورود جمعیت به قنصلخانه امتناع ورزید و ایشان سه چهار روز در خارج آنجا توقف کرده و در ظرف آن مدت تلگرافات مخابره کرده و جواب دریافت می‌داشتند. روز نوزدهم پس از آنکه از جانب اتابک مرحوم تلگراف رسید که ظل‌السلطان البته بدان صوب خواهد آمد جمعیت از آنجا حرکت نموده به مسجد شاه رفتند؛ بازارها را به حالت تعطیل باقی داشتند و هر کس اقدام به باز کردن دکان خود می‌نمود، «فدائیان» او را به زنجیر می‌زدند و دسته‌ای از این اشخاص با «مستر بومن» از اجزای کمپانی زیگلر که به دارالتجاره خویشتن می‌رفت مصادف گردیده وی را تهدید نمودند. اوایل انقلاب یک زدو خوردی مابین «فدائیان» و کسان ظل‌السلطان در چهار سو بازار اتفاق افتاد و از «فدائیان» هشت نفر مجروح گردید و مدعی بودند که دو نفر از آنها بقتل رسیده و اجسادشان که سراپا آغشته به خون بود بطرف میدان بقصد اینکه خشم و غضب مردم را بهیجان آورند حمل نمودند در صورتیکه یکی از آنها

(۱) قره‌سوران = گروهی که از روزگار حکومت صفویه تا اواخر قاجاریه برای مراقبت و حفظ امنیت راهها از آسیب راهزنان و اشرار از طرف دولت یا حکام ولایات گماشته می‌شدند. این واژه بعدها وظیفه خود را به‌امنیه و ژاندارم داد. اصطلاح معروف «سیاهی کیستی؟» یادگار دوران قره‌سورانها است. م.

بکلی زنده بود. وقتیکه آقایان دیدند بتوسط قنصل روس مقاصدشان بعمل نخواهد آمد مردم را به تلگرافخانه ایران فرستادند و تلگرافاتی به عبارات خیلی سخت و بدون امضاء نوشتند که مخابره شود لیکن تلگرافخانه از مخابره آنها امتناع نمود. روز بیست و سیم اوت [سی و یکم امرداد؛ ۱۳ رجب] در و پنجره‌های تلگرافخانه را شکسته و تلگرافچی را بمقتل تهدید کردند. روز دیگر وی را از اداره‌اش به انجمن ولایتی کشیده چون بازهم از مخابره تلگرافات بدون امضاء ابا داشت آقانورالله به «فدائیان» گفت او را در مسجد شاه محبوس دارند لیکن حاکم واسطه شد و آقایان به رهائی وی اشارت دادند. فردای آن روز مشارالیه تلگرافخانه را بست و به‌جلفا رفت تا روز بیست و ششم اوت که تلگراف اتابک واصل گردید آقایان جمعی را برای عذرخواهی نزد وی گسیل داشتند. پس از آن تلگرافخانه را باز و دوباره دایر گردانید. هم درین اوقات بازارها بسته بود و اجزای کمپانی زیگلر به قنصل جنرال راپورت دادند که از طرف آقایان به‌ایشان اطلاع داده شده که اگر اداره خویش را مفتوح سازند آنجا را بیغما خواهند نمود.

یزد

چندین قافله را در حوالی یزد دزد زده است و از قرار راپورت شصت و پنج نفر دزد سواره فارسی در راه کرمان توقف دارند. شصت نفر قره‌سوران تاکنون نگذاشته‌اند آنها دزدی نمایند و موافق راپورت واصله پس از آنکه مدت نیم ساعت مابین ایشان جنگ در پیوست عاقبت دزدها عقب نشستند.

راه مشهد را به خسروخان که سابقاً رئیس دزدها بود سپردند که منظم سازد. یکی از سوارهای ابوابجمعی وی بتازگی چوپانی را که از نگاهداشتن اسب او سرپیچی کرده بود بضرب گلوله از پای درآورد. جسد مقتول را برای گذرانیدن از نظر ویس قنصل اعلیحضرتی به تلگرافخانه انگلیس در شهر یزد آوردند. اتفاقاً ویس قنصل حاضر نبود و رئیس تلگرافخانه به اشخاصی که نعش را آورده بودند اطمینان داد که واقعه را به ویس قنصل اطلاع خواهد داد. پس از آن آنها جسد مقتول را از آنجا حرکت دادند.

شیراز

در شاهراه بوشهر دزدیهایی چند اتفاق افتاد از آنجمله قاصد مأمور مقیم و پست‌ایران و نیز کاروان زیگلر بود که گرفتار دزدها گردیدند.

دو نفر را بتعمیر حمله آوردن بر نوکر مأمور مقیم که اکنون در شیراز متوقف است حضور حکومت بردند و از دنبال ایشان جمعیت با داد و فریادی حرکت می‌نمود. چون آنان را نزد حاکم آوردند نتیجه چنین قرار یافت که در حضور ماژور فکس با نوکر وی صلح نمایند و پیغام دادند که امید است این مسئله بهمین قسم فیصله یابد. لیکن چون این طریقه مکفی نبود عاقبت آن دو نفر مرتکب را مخفیانه در حضور منشی مأمور مقیم تنبیه نمودند.

فرقه ملاها کوشش دارند که کاپیه اختیارات را به قبضه تصرف درآورده حاکم را معزول

سازند و از قرار معلوم حاکم در حفظ نظم نهایت اهتمام را دارد چنانچه اتابک مرحوم به وزیر مختار دولت فخریه اظهار رضایت از وی داشته و گفته بود که از او تقویت خواهد شد..

نمره - ۴۵

مکتوب سراسپرینگ رایس به سرادوار دگری

از قلهک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

[۲۱ شهریور ۱۲۸۶؛ ۴ شعبان ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار معروض می‌دارم که به هیئت دولت ایران مخصوصاً به وزیر مالیه راجع به تسامح تأدییه طلب بانک شاهنشاهی و دولت انگلیس مکرر اظهار داشته‌ام. پرداخت قروض مذکوره را قرار داده بودند که ماهی سی هزار تومان از محل گمرکات کرمانشاه ایصال دارند.

از عین این سی هزار تومان مبلغ هفده هزار تومان شخص شاه جهت مخارج اداره قشونی آذربایجان حواله نمود. همچو معلوم می‌شود که از عملکرد اداره تلگرافخانه یا عایدات صید ماهی بحر خزر (که به عنوان وثیقه به یک طلبکار روسی داده شد) و یا همچنین از عایدات گمرک بوشهر چیزی وصول نشده باشد. اگر دولت مالیات بوشهر را صرف مقاصد خویش نمی‌نمود هر آینه فرع و یک مقداری از اصل طلب پرداخته می‌شد.

با کمال افتخار صورت قروض دولت ایران را که مستر راینو محض اطلاع من تهیه نموده لغأ ارسال می‌دارم. قروض مذکوره بالغ بر ۵۵۰,۰۰۰ لیره است که از آنجمله ۴۹,۵۰۰ لیره فرعی است که موعده تأدییه آن منقضی گردیده. دین دولت ایران معادل ۱۶۳,۰۰۰ لیره از حد مقرر در امتیاز تجاوز نموده.

ناصرالملک وزیر مالیه امیدوار بود که بتواند نقشه‌ای برای اصلاح مالیه بموقع اجراء گذارد و اعتماد داشت که بدان وسیله دولت ایران موفق به ادای قروض و تهیه مخارج لازمه خویش گردد. اساس نقشه بر این بود که در مالیات داخلی اصلاحاتی بعمل آورده شود؛ به این طریق فرعی را که فعلاً حکام می‌برند جزء جمع نموده و به مصرف مخارج حکومت‌های ولایتی و دربار برسانند ولیکن ناصرالملک استعفا داد. جانشین او بکلی نادان و نظر عمده‌اش این است که آن قوه را ندارد مثل ناصرالملک از دادن مالیه مملکت در مقابل حوالات شخص شاه امتناع ورزد.

با این حالات حاضره و هرج و مرجی که در حکومت ایران بواسطه قتل اتابک و تغییر جدید کابینه روی داده هیچ امیدی نیست قرار و فیصله‌ای به آنطور که رضایت بخش باشد بدهند مگر به تهدید و اجبار. چون ظاهراً محل نقدی دولت ایران فقط منحصر به عایدات گمرکات است. نتیجه این شده که به پلیس و قشون ولایتی که هنوز در بعضی از نقاط مملکت صورتی از نظم را نگاهداری می‌نمایند حقوق نرسیده است

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

ملفوف نمره - ۴۵

یادداشت راجع به قرض دولت ایران به بانک شاهنشاهی

تومان	قرض بلاواسطه دولت ایران موافق محاسبات عمومی تا بیستم سپتامبر گذشته معادل بود با
۱،۸۷۲،۸۵۲	منافعی که در حساب آنها تا بحال نوشته شده و آنچه تا بیستم سپتامبر آتیه محسوب شود جمعاً معادل است و از آن بابت نقد داده‌اند
۲۲۹،۸۳۸	الباقی از بابت منافع
۱۷۷،۷۴۰	
۵۲،۰۹۸	

مجموع بدهی ایشان تومان ۱،۹۲۴،۹۵۰

اضافه بر مبلغ متعینه در امتیاز بانک گرفته شده
بعلاوه از بابت قروض سایرین که دولت به عهده گرفته
قرض شخصی اعلیحضرت
و از بابت حساب ۲۹۰،۰۰۰ لیره (فقط ربح) ۱۳،۹۱۵ لیره و ۱۸ شلینگ و ۲ پنس که معادل است با ۶۹،۵۸۰ تومان.
اگر دولت همانطور که قول داده بود از عایدات گمرکات بوشهر به ما می‌پرداخت نه فقط از بابت فرع و قسط استهلاك قرضه ۲۹۰،۰۰۰ لیره منظمأ پرداخته می‌شد بلکه ربح و حتی قسمتی از اصل طلب ما نیز ادا می‌گردید.

نمره - ۴۶

تلگراف سراسپرینگ رایس به سرادوار دگری (وصول دوم اکتبر)

از طهران مورخه دوم اکتبر ۱۹۰۷

[۹ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۵]

انجمنی مرکب از شاهزادگان، رؤسای لشکری و کشوری، ملاکین عمده و تمام مرتجعین معروف يك اعلامی به شاه نمودند که اگر آن اعلیحضرت از مشروطیت نگاهداری ننماید و با مجلس در اجرای امور همراهی نکند هر آینه ایشان دیگر از هواخواهی و حمایت سلطنت آن پادشاه کناره خواهند نمود. اعلیحضرت جوابهای معمولی که تماماً مبتنی بر اطمینان بود به ایشان فرستادند. وزیر امور خارجه که مقامش بواسطه تعطیل عمومی اجزای آن وزارتخانه خیلی متزلزل است مخالف حضرات می‌باشد ولی رئیس الوزرای جدید وعده داده که ایشان را تأیید نماید.

اعضای این انجمن حمایت و حفظ مشروطیت را در مجلس که برای همین مقصود رفته بودند قسم یاد کرده و به قید یمین تعهد نمودند.

اکنون فقط حامی و هواخواه شاه وزیر امور خارجه است و با این حال معروف است که هنوز نظریات ارتجاعانه خود را دارا می‌باشد. سفارت در کلیه این وقایع رفتار و حالات طبیعی را از دست نداد.

نمره - ۴۷

تلگراف سراسپرینگ رایس به سرادواردگری (وصول سوم اکتبر)
از طهران بتاريخ سوم اکتبر ۱۹۰۷
[۱۰ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۵]
سعدالدوله از مقام وزارت امور خارجه معزول گردید (رجوع نمائید به تلگراف دیروز من).

نمره - ۴۸

مکتوب سر ادواردگری به مستر مارلینگ
از وزارت امور خارجه (لندن) هفتم اکتبر ۱۹۰۷
[۱۴ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۵]
آقا
مکتوب مورخه سیزدهم ماه گذشته سراسپرینگ رایس را دریافت داشتم و در جوف آن سواد مراسله‌ای که به دولت ایران راجع به تعویق تأدیه اقساط استهلاك نوشته بود نیز واصل گردید.
هرگاه تا مدت شایسته‌ای وصول مراسله مزبوره را دولت ایران اعتراف نماید آنوقت شما بایستی باز در این موضوع اظهارات دیگر بنمایید.
(امضا) ای . گری

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۹

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۵ اکتبر)
از طهران بیست و پنجم اکتبر ۱۹۰۷
[یکم ابان ۱۲۸۶؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۵]
هیئت وزرای جدید در تحت رئیس‌الوزرائی ناصرالملک که نیز دوباره به وزارت مالیه منصوب گردید تشکیل یافت. مهم‌ترین اعضای این هیئت عبارتند از مشیرالدوله پسر مرحوم مشیرالدوله که به مقام وزارت امور خارجه برقرار و صنیع‌الدوله به وزارت داخله منصوب و مخبر السلطنه برای وزارت عدلیه معین گردیده‌اند.

نمره - ۵۰

مکتوب سراسپرینگ رایس به سرادواری (وصول بیست و هشتم اکتبر)
از قلهک بتاريخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷
[یکم مهر ۱۲۸۶؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۵]

آقا

امروز صورت قرارداد انگلیس و روس را که يك ترجمه از آن به فارسی (بدون ضمانت صحت مفهوم آن) باتفاق همکار روسی خودم ترتیب داده و بدان ضمیمه کرده بودم نزد دولت ایران فرستادم - و سواد مکتوبی که بموافقت مسیو دوهارت و یک به دولت ایران در جوف صورت قرار داد ارسال داشته‌ام لفاً حضور آنجناب تقدیم می‌دارم.
(امضا) سیسیل، اسپرینگ رایس

ترجمه

طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۷
[۲۹ شهریور ۱۲۸۶؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۵]

آقای... وزیر

بر طبق تعلیمات واصله از دولت متبوعه خودم من با کمال افتخار صورت قراردادی که در هجدهم ماه اوت فرنگی مطابق سی و یکم اوت روسی ۱۹۰۷ مابین دولتین بریطانیای کبیر و روس منعقد شده تا آنجائیکه مطالب آن مربوط به دولت ایران است ارسال خدمت می‌دارم. محض تسهیل قرائت قرارداد مزبوره يك ترجمه به فرانسه به آن ضمیمه ساختم تا آنکه سوء تفاهم و اشتباهی حاصل نگردد و خاطر نشان می‌نمایم که البته ترجمه‌ای که به فرانسه شده است اصل و معتبر می‌باشد.
صورت قرارداد رسماً به دول معظمه ارسال و تا ممکن است بزودی طبع و انتشار خواهد یافت.
زیاده

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

www.adabestanekave.com

نمره - ۵۱

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری (وصول بیست و هشتم اکتبر)
از طهران نهم اکتبر ۱۹۰۷
[۱۶ مهر ۱۲۸۶؛ یکم رمضان ۱۳۲۵]

عزل سعدالدوله از وزارت امور خارجه که شاه را بواسطه احساسات عامه مجبور به آن گردانید سکتة شدیدی به اقتدار و نفوذ شاهنشاهی وارد آورد.
با وجود خدمات محققه‌ای که سعدالدوله اوایل امر در هواخواهی مشروطیت انجام داده بود طرف بی‌اعتمادی و تنفر مجلس واقع گردیده و چنین دانسته‌اند که جناب ایشان قول به شاه داده‌اند که در ازاء نیل به مقام وزارت امور خارجه اعلیحضرت شاهنشاه

را از قید مجلس مستخلص سازند. ابتدا شروع به مخالفت از اداره خود وزیر مزبور گردیده چنانچه یکی دو روز بعد از آنکه به مقام وزارت برقرار گردیدند رؤسای آن اداره استنکاف داشتند از اینکه در تحت ریاست ایشان به خدمت اشتغال ورزند و بنابر قولی اجزای غیر مطیع آن وزارتخانه فقط بواسطه حسادت و منافع شخصی به مخالفت برخاسته بودند.

در حقیقت زمان وزارت بیحالاته علاءالسلطنه حکمرمائی کارهای وزارت امور خارجه به تصرف رؤسای شعب آن وزارتخانه درآمده بود که با چند نفر دیگر تشکیل يك کمیته‌ای داده مختار تمام مشاغل گردیدند و از غارت اداره تذکره تمتع می‌یافتند. سعدالدوله همینکه مقام وزارت را حاصل نمود بدون هیچ تسامح به این آقایان فهمانید که در کنار اداره خویشتن قادر و فرمانروا خواهد بود و بعلاوه شروع نمود که برخی از دوستان مخصوص خود را در کارها و مقامات خیلی با مسئولیت آن وزارتخانه بگمارد. از همان روزی که داخل وزارتخانه گردید مناقشات بظهور پیوست و اعضا مصمم شدند که برای استخلاص از يك چنین وزیر قادر با عزم و اشخاص مخلی که از طرف وی منصوب شده‌اند دلیرانه استقامت نمایند. قول دیگر چنین بیان می‌کند که این اعضاء مخالف کسانی باشند از وطنخواهان مخصوصه که حاضرند دوره مشاغل و خدمت خود را فدا نموده در تحت ریاست وزیری که به اعتقاد ایشان قسم یاد کرده که آزادی تازه تحصیل شده مملکت را خراب و برهم زند خدمت نمایند.

محتمل است که هر دو قول صحیح و نیز محرك بوده ولی در هر صورت فریاد وطنخواهی فوراً همراهی عموم را بطرف مخالفین جلب و معطوف داشت.

مع‌هذا سعدالدوله با تقویت شاه به تشکیل اجزاء جدید پرداخت لیکن این اهتمامات به جایی نرسیده و طهران آنگونه منظره‌ای را دید که باب وزارتخانه بر روی يك وزیر خارجه مسدود و از اشغال مقام وزارت ممنوعش داشتند.

روز ۳۰ ماه گذشته رئیس مجلس و سعدالدوله حضور شاه شرفیاب شدند، و احتشام السلطنه [رئیس مجلس] مصلحت وزیر امور خارجه را در استعفا دانست ولی وی بطور لجاجت استنکاف نمود و می‌گفت این هیجان ضدیت را علاءالدوله که سخت‌ترین دشمنان او است فراهم آورده و تا آنوقتی که مجلس نتواند تقصیر معینی بر مشارالیه ثابت سازد و چون وزیر قانونی شاه می‌باشد تکلیفش اینست که مقام وزارت خویش را نگاه و باقی دارد. روز دویسم ماه جاری سعدالدوله به مجلس شورا رفت و هرچند دلیرانه مقابله نمود ولی واضح بود که حتماً معزول خواهد گردید. بعد از ظهر همان روز احتشام السلطنه حضور شاه شرفیاب شد و معروض داشت که مجلس نمی‌تواند متحمل ابقاء وزارت سعدالدوله در مقام وزارت بشود. پس از چند ساعت به جناب سعدالدوله خبر رسید که استعفای آن جناب قبول گردید. علاءالسلطنه دوباره به مقام وزارت امور خارجه برقرار شد. ولیکن منصوبین سعدالدوله مقامات خویش را در وزارت خارجه مستقر کرده و بر علیه اعضاء قدیمه بنای ستیزه را گذاردند و علاءالسلطنه فعلاً مثل وزیر سابق که ده روز قبل دچار همین کشمکش شده بود از اشغال مقام ممنوع آمد.

نمبره - ۵۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری گری (وصول ۲۸ اکتبر)

از طهران نهم اکتبر ۱۹۰۷

[۱۶ مهر ۱۲۸۶؛ یکم رمضان ۱۳۲۵]

آقا
قرار داد انگلیس و روس در مجلس که صبح پنجم ماه جاری انعقاد یافته بود قرائت گردید
و مختصر مذاکره‌ای در آنخصوص بمیان آمد. طرز گفتگوی غالب از ناطقین بطریق
معتدل بود.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمبره - ۵۳

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری گری (وصول بیست و هشتم اکتبر)

از طهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

[۱۷ شهریور ۱۲۸۶؛ ۲ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

تغییر شدیدی که بواسطه کناره‌جویی رؤسای ارتجاعیون از هواخواهی شاه حادث شده و در
آنخصوص سراسپرینگ رایس در تلگراف خویش مورخه دویم ماه جاری به شما اطلاع داده بود
به عقیده من به اندازه‌ای جالب توجه است که شرح اوضاع و مقتضیات مربوطه به آن
واقع را شایسته است مفصلاً اطلاع دهم.

ظاهراً علائم چندانی در روبرگردانیدن ناگهانی مرتجعین از شاه هویدا و مشهود نبوده
باعث عمده آن بایستی همان ترس و خوف شمرده شود. قتل اتابک که سبب استعفای فوری
صنیع‌الدوله گردید و همچنین فوت ناگهانی مشیرالدوله که موجب سوءظن واقع شد از
اینکه بواسطه جهات طبیعی نبوده بدون تردید اثرات خیلی سخت بخشیدند. باستانای
قتل ناصرالدین‌شاه می‌توان گفت که طبقات آمره عالییه مدتی بود متمادی که از کشته شدن
به دست طبقات پست از مردم مصون و محفوظ بودند. اتفاقات فوق‌الذکر به انضمام آگاهی از
ایجاد انجمنهای سری که اعضای آنها را در فداکاری جان و مال برای سعادت مملکت خویش
حاضر و مصمم دانسته‌اند یقیناً تأثیرات مخصوصه نموده‌اند. وبعلاوه شاه که تحقیق قتل
اتابک را مجبوراً صرف نظر کرده بود از آنروی بر مرتجعین واضح شد که از آنها نمی‌تواند
محافظت نماید و بیم آن را دارند که بواسطه تنفر عامه از اساس حکومت مطلقه که پیوسته
آن نفرت و اترجار رو به‌ازدیاد است ثروت گزافی را که بسیاری از آنها در تحت اوضاع
قدیمه بیچنگ آورده‌اند عاقبت دولت به‌اسم ملت يك روزی از ایشان مسترد دارد. پس با این
حالات هیچ جای حیرت نیست که رؤسای ارتجاعیون اظهار موافقت خود را با ملتیان
(هم بطریق آشکارا وهم بطور رسمی) از راه حزم و احتیاط دانسته‌اند. سه‌نفر از کارکنان

عمده که در طرف مشروطه طلبانند عبارت باشند از رئیس مجلس و علاء الدوله و نیز امیر اعظم برادرزاده عین الدوله که جوانی است صاحب عزم و ثبات قدم. روز بیست و هفتم ماه گذشته بنا بر دعوت اشخاص مذکوره مجمعی از اشراف ایران که اعضای آن برخی از طایفه قاجاریه را مشتمل بود - هر چند هیچ یک از آنها منسوبین بلاواسطه شاه نبودند - در خانه علاء الدوله واقع در طهران انعقاد یافت که در اوضاع تعمق و مذاقه کنند. مذاکرات از چه قبیل بوده و یا چه دلایلی برای متقاعد کردن مرتجعین اقامه شده بطور صحت معلوم نیست ولی همیشه در نتیجه چنین معلوم گردیده است که عریضه‌ای مشعر بر نظریات هیئت مجمع و به مضامین عدم موافقت باشاه حضور آن اعلیحضرت تنذیم دارند ولیکن بعبارات ساده و سخت.

در آن عریضه بطور وضوح مذکور داشته بودند که اصرار و پافشاری کنونی آن اعلیحضرت در رفتار ضدیت و مخالفت آمیز با مجلس عاقبت تخت سلطنت و سلسله آن پادشاه را به مخاطره خواهد افکند و عریضه کنندگان بنا به وطنخواهی مصمم شده‌اند که با مجلس بطور صمیمیت مشغول کار شوند و اگر آن اعلیحضرت همچنین به موافقت راضی نگردند همگان ترك خدمتگراری وی را خواهند نمود. شاه جواب خیلی مفصلی به ایشان ارسال فرمود و با وجود مبهم بودن عبارات همچو تصور شده بود که مفادش تسلیم کامل است.

صبح همان روز تمام فرقه ارتجاعیون وارد مجلس شدند و به ریاست جلال الدوله پسر ارشد ظل السلطان قسم یاد کردند که حافظ مشروطیت و مطیع قانون اساسی بوده باشند. چون هنوز ابتدای کار است نمی‌توان پیش‌بینی نمود که این اتحاد تا چه مدت دوام خواهد کرد. لیکن بنا بر عقیده ایرانیان فعلاً رآکسیونرها^۱ بطریق صداقت همراه گردیده‌اند و مجلس مظفریت مهم با دوامی را حاصل نموده است.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۵۴

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارگری (وصول بیست و هشتم اکتبر)

از طهران دهم اکتبر ۱۹۰۷

[۱۷ شهریور ۱۲۸۶؛ ۲ رمضان ۱۳۲۵]

ماه گذشته بهیچ وجه در اوضاع عمومی ایران بهبودی حاصل نگردیده و موافق اخبار واصله امنیت جان و مال در ولایات باستانهای بعضی از آنها کمتر موجود می‌باشد. اقتدار مرکزی تقریباً معدوم و اختیارات به دست انجمن‌های محلی افتاده که هیچ اعتنائی به مرکز ندارند.

مع‌هذا در پایتخت بیشتر امیدواری موجود است. حزب تجددخواه در این وقت بطور تحقیق قوتش زیادتر است تا یک سال قبل که مجلس تازه افتتاح شده بود. حزب مزبور

(۱) رآکسیونر = مخالف با شیوه جدید، مرتجع - م.

تمام فرقه مرتجعین را بطرف خود جلب نموده.

اطلاعات واصله از شهرهای ولایات و ایالات بااستثنای معدودی از آنها مبنی است بر اینکه امنیت جانی و مالی کمتر از سابق است در صورتیکه بی قانونی عمومی در مملکت هنوز تخفیف نیافته اقتدار حکومت مرکزی تقریباً صفر می باشد و اگر هم اقتداری دارند فقط بتوسط انجمن محلی اعمال می شود و نفوذ دولت را در این انجمنها نیز ثابت و دائمی نمی توان دانست لیکن در پایتخت امیدواری قدری بیشتر می باشد. فرقه تجددخواه در این ایام که يك سال تمام از تشکیل و افتتاح مجلس ملی گذشته است البته قوت یافته اند و این فرقه در جلب تمام رأیسیونرها بطرف خویشان کامیاب و مظفر گردیدند و ظاهراً می توان فهمید که چون شاه در این موقع جز معدودی از درباریان هیچ حامی و هواخواهی ندارد خود را مجبور خواهد دید که آنهمه تمهیداتی که بواسطه آنها می خواست اعتبارات مجلس را زائل و عدم لیاقت آن را در اذهان مردم بگنجاند ترك نماید. اشخاصی که به جنبش ملی معتقدند به آتی مملکت اعتماد و اطمینان دارند.

دلیل اینکه مجلس تاکنون نتوانسته است اصلاحات عملی بنماید مستند به اشکالاتی هستند که به آنها برخورد و دشمنان آن را بسیار دانند و می گویند نفوذ حکام ولایات (بزرگان متنفذ) و شاه و بالاخره علماء بایستی کاملاً مضمحل شود تا آنکه آمال ملت برآورده و مقصودش حاصل گردد. این مقاصد را ملت بخوبی و مظفرانه بدست آورد. حکام جابر ظالم مانند ظل السلطان و فرمانفرما و آصف الدوله معزول شده شاه تنها و بی هواخواه ماند.

گنشتن متمم قانون اساسی و مذاکرات راجعه به تحصن همانا به مجتهدین فهمانید که اساس جدیدی البته خود را از قید نفوذ علماء نجات خواهد داد. لیکن اشکالات وارده بسی عظیم باشند. خزانه خالی است، استعدادی برای حفظ نظم و اجرای قانون موجود نیست.

اقتدار و نفوذ معنوی اساس قدیم بواسطه انجمنهای محلی لغو بلکه منهدم گردیده و مجلس نیز نمی تواند احترام و نفوذی برای خود ایجاد و احداث نماید. هیچ وزیری که لیاقت و کفایت تأسیس اساس و بنیان بنائی را دارا باشد مشهود نبوده و به نظر نمی آید. مالیات در نهایت بی نظمی ایصال می گردد و حتی استخوان بندی مقدماتی اداری بطوریکه سابقاً بوده نیز در شرف انهدام است. در حقیقت کار مجلس در سال اول عمرش تماماً از قبیل برهم زدن و خرابی اوضاع قدیمه بوده و در موقع صاف کردن زمین برای اوضاع تجدید و اصلاحات آتی مصالح و مواد زیادی که شایسته حفظ و نگاهداری بودند از بین رفت. و بیم آنست که عمل تجدید اساس و بنا بطرز و طرح حکومت ملی از حیرت قدرت رؤسای تجددخواه خارج گردد.

این علامت خوشی نیست که در کابینه جدید هر يك از وزراء جرئت قبول و تعهد کوچکترین مسئولیت را ننموده و همواره منتظر دستور العمل و حکم مجلس است. نتیجه آنکه مجلس که در اوایل امر زیاده از حد امتنان داشت فقط همانا در مسائل اداری معموله مداخله کند اکنون به آن اکتفا نکرده وظایف اجراییه را نیز به عهده گرفته است. دو مسئله دیگر این

پیشامد را کمک و تقویت نموده یکی حیثیت و شخصیت رئیس مجلس است که امروز در ایران مقتدرترین اشخاص می باشد و دیگر تشکیل انجمن اکابر. ایجاد این هیئت نتیجه انجمن اعیان است که کنار جوئی آنها از فرقه استبدادی اوضاع داخلی را بکلی تغییر داده. هیئت مزبوره مرکب است از مأمورین عالیه با برخی از صاحب منصبان نظامی در تحت ریاست امیر اعظم و نایب رئیسی حسینقلی خان نواب. اگر حیثیت متمام رسمی را دارا نیست لیکن حق مصلحت اندیشی با وزرا را در جریان امور وزارتخانه ها به خود نسبت می دهد. البته این هیئت کاملاً غیر مسئول می باشد ولی نفوذ و حیثیت اعضای آن به درجه ای است که رأی و مصلحت بینی آنها را نمی توانند مرعی ندارند. نفوذ این هیئت کلیتاً تا کنون نافع بوده اما سهولت دیده می شود يك وزیري که قدری از وزرای کنونی با عزم تر باشد یحتمل بزودی با این هیئت به مناقشه در آید. و از طرف دیگر مخاطره تصادف و منازعه آن هیئت با مجلس شورای ملی چندان بعید بنظر نمی آید. بهترین چیزی که محتمل است نتیجه این هیئت بشود و ارباب ذکاوت نیز انتظار و امید آن را دارند همانا تبدیل یافتن آن هیئت است به مجلس سنائی که در قانون اساسی مقرر گردیده.

مانع دیگری که در راه تجدد موجود است ترکیب خود مجلس می باشد زیرا اقلیت مختصری از اعضای آن فقط اطلاع مقدماتی از وظایف پارلمانی دارند و بقیه آن نمی تواند کتاب قانون مدون منظمی را هم فهم و ادراک نماید و این معنی بکلی خارج از دایره تجربه آنها بوده و شاید عمل قانون گذاری را که تصور نمی کنند هیچوقت به موقع اجرا گذارده شود فقط ائتلاف و گذرانیدن وقت می دانند و در واقع پارلمان را تبدیل به مجلسی می نمایند که مابین مجلس مباحثه دیوان عدلیه و شورای مملکتی باشد. جمعی هم مقام و کالت را فقط وسیله پیشرفت مقاصد و تحصیل منافع شخصی می دانند. امید آنست که بوسیله انتشار عقاید صحیحه راجع به حکومت ملی در انتخابات آتیه مقننین داناتر که کمتر خودپرست باشند انتخاب شوند.

نتیجه اعمال سال گذشته مجلس کلیتاً منفی بوده ولی لا اقل در استقرار میل و اراده در مقابل نفوذ و قدرت شاه و علماء کامیاب گردیده و الحال می تواند امید داشته باشد که قدم در راه تجدید بنای اساس بگذارد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۵۵

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۲۸ اکتبر)

از قلهک دهم اکتبر ۱۹۰۷

[۱۷ مهر ۱۲۸۶؛ ۲ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع عمومی ایران را که در ظرف چهار هفته گذشته اتفاق افتاده و بتوسط ماژور استوکس و مستر چرچیل تهیه آن شده ارسال حضور آنجناب می دارم.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوظه نمره - ۵۵ خلاصه حوادث یکماهه ایران

طهران

مشیرالدوله شب چهاردهم سپتامبر [۲۲ شهریور؛ ۵ شعبان] غفلتاً وفات نمود. روز بیست و هفتم همان ماه معاریف صاحبمنصبان کشوری و لشکری که تا آنوقت فرقه ارتجاعیون را تشکیل داده بودند اولتیماتومی نزد شاه فرستاده پیوستگی خود را به مشروطیت و مجلس ملی اظهار داشتند و تهدید نمودند که اگر آن اعلیحضرت با ملت موافقت در کار ننماید کلیه اتصالات خود را با تخت سلطنت متطوع خواهند داشت. روز دیگر وزیر مختار دولت فحیمه شرفیاب حضور شاه گردید که اذن مرخصی حاصل کند و در همان وقت مستر مارلینگ نیز به معرفی شارژ دافر پرداخت.

«جبل‌المتین» طهران که روز نهم سپتامبر يك رشته مقالاتی راجع به قرارداد روس و انگلیس درج کرده بود همه روزه بطور استمرار تا شانزدهم سپتامبر مقاله‌ها در این موضوع بطبع می‌رسانید. دوسه مقاله اولیه آن بلاشبهه بقلم سعدالدوله بوده و تا حدی اطلاع و بصیرت از موضوع بطور پیچیده ظاهر می‌ساخت ولی آرتیکل‌های اخیر به آن خوبی نوشته نشده بود.

روزنامه دیگر موسوم به «تمدن» مقاله‌ای بتاریخ هفتم سپتامبر مندرج داشت لیکن چون مباحث محلی که بیشتر جالب توجه بود طلوع کرد لهذا میدان مبارزت قلمی متروک گردید تا وقتی که صورت قرارداد روس و انگلیس طبع و انتشار یافت. مجدداً «جبل‌المتین» روز هفتم ماه مزبور به این مطلب رجوع نمود و روز دیگر مفصلاً شرح قرارداد را که آژانس روتر مخابره کرده بود بطبع رسانید و همچنین ترجمه فارسی آن قسمت از قرارداد را که راجع به ایران و بتوسط سفارت اعلیحضرتی تدارک و بدولت ایران ارسال شده بود با مکتوب مصحوب آن را روز ۲۴ سپتامبر مندرج ساخت و روی هم رفته قرار داد مذکور در طهران بنیکوئی برخورد و پذیرفته گردید.

از چندی قبل در پایتخت اعمال سوء و دزدی از دیاد یافته و بعضی از سربازها پیرزنی از اهل فرانسه را بیرحمانه بقتل رسانیدند. دسته‌ای از دزدها که صورت خود را پوشانیده بودند شب را وارد خانه یکنفر تاجر متمولی شده پس از خفه کردن و پیچیدن وی هر قسم اسباب گرانبھائی که در آن خانه بود بسرقت بردند. مهترهای شاهی عده‌ای از زنان مسلمة را بزور به طویل شاه کشیدند و این واقعه که به علاءالدوله اطلاع داده شد معجلاً بدانجا رفت که زنهارا مستخلص نماید ولی مهترها از باز کردن درها امتناع ورزیدند.

در یکی از عمارات بیلاقی شاه هنگامی که اعلیحضرت در آنجا اقامت فرموده بود بعضی از پارچه‌های زردوزی قیمتی بسرقت برده شد. برخی از اروپائیان که دو نفر آنها اعضای سفارتخانه دولت فحیمه بودند دچار دله‌دزدها گردیدند.

پرنس دابی‌چا قنصل جنرال روس مقیم اصفهان که در طهران است و بایستی به محل

مأموریت خویش (یعنی اصفهان) مراجعت نماید چون راه در تصرف دسته‌ای از قطاع‌الطریق درآمد و اکنون چادرهای خود را کنار راه افراشته‌اند از حرکت بازمانده و در طهران متوقف است تا وقتی ترتیباتی داده شود که در مسافرت خویش اطمینان امنیت حاصل نماید.

مدرسه جدید البنای آلمانی رسماً روز پنجم ماه جاری افتتاح یافته و پانصد دعوت‌نامه برای آن روز منتشر گردید و متجاوز از نصف عدده مدعوین حضور بهم رسانیدند. مدت دوسه ماه بود که مدرسه به کار اشتغال داشت و تقریباً صد نفر از اطفال ایرانی در آنجا داخل شده‌اند. معلمین آن مدرسه دوفتر آلمانی و یک عده ایرانی می‌باشند. یکی از معلمین آلمانی را می‌گویند خیلی لایق است و نیز نتایج حسنه از تعلیمات وی شنیده می‌شود. برخی از متعلمین ایرانی زبان آلمانی را قدری می‌توانند تکلم کنند.

روز ششم همین ماه که چهل روز بعد از قتل اتابک اعظم باشد نمایش عظیمی در سر قبر عباس آقای قاتل که خود را نیز بقتل آورده بود داده شد. در آنجا چادرها برپا کردند و گویند پانزده هزار نفر حضور بهم رسانیده بود. نطقها در تمجید قاتل اتابک سرودند که وی از وطن پرستان بوده و در راه سعادت مملکت جان خویش را فدا ساخته است و مقدار زیادی گل نثار مقبره‌اش نمودند.

دولت فرانسه یک نفر مستشار مالیه موسوم به مسیو بیزوت بنا بر خواهش دولت ایران معین گردانید که بطرف طهران حرکت نماید. کنترات وی را وزیر مختار فرانسه نوشته و مدت استخداش برای دوسال خواهد بود که سالی ۵۰،۰۰۰ فرانک حقوق عاید دارد و ۳۰،۰۰۰ فرانک مخارج سفر و نیز هر سالی ۱،۵۰۰ فرانک کرایه خانه. روز دهم ماه جاری صورت کنترات نامه را به مجلس در جلسه خصوصی تقدیم داشتند.

جی. پی. چرچیل (امضا)

تبریز

اوضاع شهر نسبتاً به آرامی می‌گذرد. فرمانفرمای آذربایجان طرف میل عامه است و با انجمن ایالتی در امور موافقت دارد و اهتمامی دارد که نظمی شهر به خود او واگذار شود. سربازها جیره مکفی عاید می‌دارند و لباسشان خیلی تمیز است. انجمن مواجب فرمایشهای حکومتی را منظم می‌پردازد و رئیس انجمن به شارژ دافر دولت فخمه گفته بود که این نتایج از اقدامات مجلس شورای طهران بظهور پیوسته و فرمانفرمای آذربایجان چون بی‌حال و ناقابل است بایستی معزول شود.

عده‌ای از انقلابیون خوی بقصد کشتن اقبال السلطنه حاکم آن نواحی عازم ماکو گردیده مشارالیه برایشان حمله آورد و آنها را شکست داد و گویند دو بیست نفر از آن جماعت را بقتل رسانیده است. فرمانفرمای آذربایجان و انجمن ایالتی یک هیئتی را مأمور تحقیق ایسن مسئله گردانید.

اصفهان

از قرار معلوم عدم رضایت مردم از انجمن ولایتی که هر کاری را رأی داده ولی به اجرای

آن نمی‌پردازد اتصالاً مزید می‌شود و حکومت مکرر استعفای خود را فرستاده ولی پذیرفته نشده است.

رئیس مجلس ملی به شارژ دافر سفارت دولت نخیمه گفته است که عاقبت لازم خواهد شد آقایان را به طهران احضار و حاکم را که قدرتی ندارد معزول نموده به‌جای او دیگری را منصوب دارند. امید است این اراده بزودی انجام یابد زیرا در خصوص تهیه مستحفظین برای حفاظت مفتشین خط تلگراف از طرف حاکم به قنصل جنرال اعلیحضرتی اطلاع داده شده است که او هیچ‌گونه تسلطی در امور حکومت ندارد و آقایان کارهای ولایت را قبضه کرده لهذا وی نمی‌تواند ضمانت امنیت مفتشین مزبور را به عهده بگیرد. اداره تلگرافخانه را اهالی مسدود نمودند تا حکومت را به تأمین راههایی که دزدها اشغال کرده‌اند مجبور دارند.

یزد

در راه کرمان دزدها يك قافله را جلوگیری نموده اموال ایشان را بسرقت بردند و از مستحفظین راه که با ایشان به منازعه و جنگ برخاسته بودند يك نفر مقتول و پنج تن مجروح گردید.

کرمان

انتخابات انجمن محلی سبب اغتشاش و متحصن شدن جمعیتی از مردم در تلگرافخانه انگلیس گردید. در اواخر ماه سپتامبر غائله فیصله یافت.

کرمانشاه

اغتشاش شهر مداومت دارد. دزدی و قتل همه روزه اتفاق می‌افتد و مرض تب خیلی شیوع پیدا نموده.

شیراز

نظام‌السلطنه کماکان فرمانفرمای فارس است و ظاهراً تا اندازه‌ای از عهده نظم بخوبی برمی‌آید ولیکن راهها تقریباً به حالت ناامنی باقی است. خورجینهای پستی قاصد مأمور مقیم پیدا گردید و خساراتی که از آن بابت وارد آمده بود تلافی نمودند.

بوشهر

حاکم جدید موسوم به دریابگی وارد و به وظایف خویش مشغول شد. تمام باروبنه سفری سعیدالسلطنه حاکم سابق را در بین راه که بطرف شمال حرکت می‌نمود بسرقت بردند. (امضا) سی.بی. کاپیتن استکس - اتاشه میایتر

نمره - ۵۶

مکتوب سرادوار دگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه (لندن) ۲۲ نوامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آبان ۱۲۸۶؛ ۱۵ شوال ۱۳۲۵]

آقا

در بین صحبت با شارژ دافر ایران از وضع مغشوشه ایران بطور عموم و از حوالی اهواز خصوصاً مذاکره بمیان آمد. به ایشان گفتم که دولت فخریه اعلیحضرتی بواسطه عدم سکونت و آرامی در ناحیه اهواز بی اندازه در خصوص رعایای انگلیس مستخدم نفت که در آنجا توقف داشته و مشغول کارند نگران می باشد.

مهدی خان وعده داد که دقت دولت ایران را راجع به اوضاع امور معطوف سازد.

(امضا) ای. گری

نمره - ۵۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوار دگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران سی و یکم اکتبر ۱۹۰۷

[۷ آبان ۱۲۸۶؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

افتخار دارم با این مکتوب سواد یادداشتی را که به دولت ایران مربوط به عدم ایصال منفعت بدهی آن دولت از بابت قرضه سنه ۱۹۰۳ و ۴ فرستاده شده انقاد حضور دارم. در آن یادداشت تذکار کردم که تاکنون جواب شروط دولت فخریه در خصوص قبول خواهش ایران راجع به تعویق اقساط استهلاك قرضه مزبوره هیچ داده نشده است.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

در جوف نمره - ۵۷

مراسله مستر مارلینگ به علاءالسلطنه

طهران پانزدهم اکتبر ۱۹۰۷

[۲۲ مهر ۱۲۸۶؛ ۷ رمضان ۱۳۲۵]

خدمت حضرت اشرف

حضرت اشرف بخوبی مطلعید که تأدییه ریح و قسط استهلاك سالیانه قروض ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ [۲-۱۲۸۱خ؛ ۲۱-۱۳۲۰ق] دولت ایران به دولت انگلیس در صورت کفایت نکردن عایدات گمرکات فارس و خلیج فارس داده شود مع هذا از بابت امساله هیچ نپرداخته و لهذا منطقتاً همچو معلوم می شود و در حقیقت دولت فخریه می تواند اعتقاد نماید که مالیاتهای مذکوره صرف مقاصد دیگر شده است. بنابراین از دولت متبوعه به من دستور داده اند

که محض اطلاع از حضرت اشرف استفسار نمایم که دولت ایران چه دلایل مقنعی می‌تواند اقامه نماید که آن مالیات‌هایی را که رسماً برای تأمین تأدیة قرضه به انگلیس تخصیص یافته بود به محل‌های لازمه دیگر مصروف داشته‌اند.

بعلاوه بهمن امر شده است که خاطر آن حضرت اشرف را در خصوص شروط دولت فخمیه راجع به قبول خواهش دولت ایران در تعویق موقتی اقساط استهلاك قرضه مذکوره یادآوری نمایم.

شروط مندرجه در مراسله سراسپرینگ رایس مورخه سی و یکم ماه اوت که ارسال آنجناب داشته بود بایستی تصدیق کرد که خیلی سهل است و تحمیل تازه‌ای بر خزانه ایران وارد نیاورده بلکه سهل‌تر از آنگونه شرایطی است که اشخاص غیر رسمی در اینگونه معاملات محض احتیاط قرار داد می‌کنند لهذا انتظار آن می‌رفت که بزودی پذیرفته شود.

اساس آن خواهش بایستی طبیعتاً مبنی بر آن باشد که منفعت قرضه فوق‌الذکر منظمأ پرداخته شود ولی کمال دلتنگی و تأسف است برای دولت انگلیس که همراهی آن دولت در موضوع قسط استهلاك بطوریکه درخور آن باشد جلب امتنان نموده.

با کمال افتخار از حضرت اشرف خواهش می‌نمایم که بدون تأخیر اطلاع بدهید چه جوابی در این خصوص من بایستی به دولت فخمیه معروض دارم.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۵۸

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوار دگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران غره نوامبر ۱۹۰۷

[۸ آبان ۱۲۸۶؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

بعد از آنکه قنصل دولت اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه راپورت داد که شهر دوباره به حالت بی‌نظمی درآمده و پی‌درپی از بالای قنصلخانه گلوله می‌گذرد و باعث مخاطره ساکنین آنجا می‌باشد من ترد رئیس‌الوزراء رفته از ایشان خواهش نمودم که اقداماتی در اعاده نظم آن ولایت بعمل آورند و نیز گفتم که از راپورت کاپیتن هاورس واضحاً معلوم می‌شود محرکین این اغتشاشات فقط مقصودشان ممانعت سیف‌الدوله حاکم است از مراجعت به کرمانشاه که عدم کفایت و بی‌قابلیتی او سبب حوادثی گردید که در ماه ژوئن گذشته جمع کثیری از مردم به قنصلخانه رفته بست اختیار نمودند و باعث شد که بطرف آنجا شلیک کردند و نیز به خاطر آنجناب آوردم که سیف‌الدوله بنا بر خواهش سفارت رسماً از کاپیتن هاورس معذرت خواسته و بعلاوه وی را به طهران احضار نمودند و همچنین اظهار داشتم که با این حالات نمی‌دانم دولت ایران چه تصویری می‌کند که او را مجدداً به کرمانشاه معاودت می‌دهد و هرگاه دولت در این قصد یافشاری و اصرار داشته باشد البته

آن را باید اقدام غیر دوستانه نسبت به دولت اعلیحضرتی انگلستان حمل و محسوب دارم.

جناب ایشان گفتند که این پیشنهاد از طرف مجلس شده است. دسته‌ای از اهالی کرمانشاه به طهران آمده در مقابل خساراتی که هنگام غارت شدن يك قسمتی از شهر به ایشان وارد گردیده از سیف‌الدوله ادعای غرامت می‌نمایند. بنابر این مجلس متحیر بود که در این موضوع چگونه معامله نماید لیکن چون سیف‌الدوله متعهد شد که اگر اجازه مراجعت به کرمانشاهان بیاید این دعاوی را فیصله خواهد داد لهذا درخواست معزیه پذیرفته آمد. ایشان اظهار مرا که سیف‌الدوله برحسب خواهش سفارت معزول شده رد کردند و می‌گفتند وی مأمور گردیده بود که سالارالدوله را تحت‌الحفظ به پایتخت آورد. من در جواب گفتم بخوبی در خاطر دارم که تقاضای عزل او شفاهاً از طرف ما شده است و هرچند دولت ایران ممکن است طریقه‌ای را که می‌گوئید محض احتراز از پذیرفتن رسمی تقاضا اتخاذ کرده باشد ولی در هر حال این مسئله بهیچوجه مداخلیتی به آنچه من در خصوص مراجعت سیف‌الدوله در مد نظر دارم نخواهد داشت.

جناب ایشان وعده دادند که تا می‌توانند در ممانعت آن خواهند کوشید و چند روز بعد اطلاع دادند که از خیال فرستادن وی صرف‌نظر گردید.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره - ۵۹

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران بتاریخ ۷ نوامبر ۱۹۰۷

[۱۴ آبان ۱۲۸۶؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار ترجمه مفصلی از قانون اساسی که مجلس تصویب و در هشتم ماه اکتبر ۱۹۰۷ [۱۵ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵] به صحنه شاه توشیح یافته در لف همین عریضه معروض حضور آنجناب می‌دارم.

این قانون اختیارات و اقتدار پادشاهی را کاملاً تنزل می‌دهد ولی مهم‌ترین قسمت آن بیشتر راجع به تعیین اختیارات و اقتدار محاکم عدلیه است. اصل هفتاد و یکم و سایر اصول متوالیه آن اگر چه مبهم و غیر مصرح نوشته شده و عمداً این اسلوب را رعایت نموده‌اند هر گاه بموقع اجرا درآید لطمه سختی بر قوای قضائیه مالاها خواهد زد. محاکم عدلیه «مرجع رسمی تمام تظلمات عمومی» مقرر گردیده و ظاهراً تعیین رجوع مراجعات به حکام عرف و یا به قضات شرع با این محاکم خواهد بود. از قرار معلوم قضات شرع مجبورند هرگونه مراجعاتی که نزد ایشان برده می‌شود رسیدگی آنها را رجوع به محاکم عدلیه نمایند نه آنکه در محاکم و دارالقضاوه‌های غیر رسمی منعقد در منازل خصوصی خویش یا محل دیگر چنانچه تاکنون مرسوم بوده بگذرانند. حال باید دید که این تغییرات

مهمه ریشه کننده را آیا مجتهدین عملاً خواهند پذیرفت؟

از اصل هشتاد و ششم که نیز به عبارت مبهم انشاء گردیده ظاهراً همچو مستفاد می‌شود که حق استیناف و تجدید نظر در تمام احکام محاکم عرفیه یا شرعیه به محکمه استینافی داده می‌شود که تشکیل آن برطبق قوانین وزارت عدلیه یعنی قوه عرفیه مقرر شده است. اگر این تفسیری که من کرده‌ام صحیح باشد البته واضح است که در مقابل اختیارات و قوای مالاها درباب دادن احکام از روی هوای نفس وبدون حق، جلوگیری خیلی مؤثری خواهد شد.

این قانون، نیز مشتمل بر نکات دیگر می‌باشد ولی اکثر آنها بقدری علمی و باندازه‌ای مربوط و متصل به تمام دوره جنبش در تجدیدات است که بدون احاطه مخصوصی بر موضوع البته اهمیت و قدر آن با کمال اشکال و صعوبت دانسته می‌شود لهذا من قناعت می‌کنم که توجه جنابعالی را به مواد ذیل معطوف سازم.

در اصل دوم به علما و روحانیین حق نظر در تمام قوانینی که از مجلس می‌گذرد داده شده. اصل هشتم در مقابل قوانین عرفی به تمام ایرانیان تساوی حقوق می‌بخشد (رجوع نمایند به نطقهای بافراست و جالب توجه تقی‌زاده و امام جمعه خوی که این بحث را مخصوصاً اتابک مرحوم مطرح نموده و در ماه گذشته تقریباً آن نطقها اسباب خرابی و تزلزل مجلس گردید).

اصل یازدهم، ممنوع بودن انتخاب محاکم به میل متظلمین و نداشتن حق آن را.

اصل سیزدهم، مصون بودن منازل و مسکن از تعرض و دخول.

اصل هیجدهم، آزادی معارف و تعلیمات.

اصل بیستم، آزادی مطبوعات.

اصل بیست و یکم، آزادی مجامع.

اصل بیست و ششم و ۲۷، تعیین قوای مملکت «که ناشی از ملت است».

اصل سی و پنجم، تعهد به قید یمین در اطاعت قانون اساسی که هر سلطانی باید قسم

یاد نماید. مسئولیت وزراء در مورد دستخطهای پادشاهی.

اصل هفتاد و یکم و اصل هشتاد و نهم، اختیارات محاکم عدلیه را چنانچه در فوق

مذکور گردید تعیین می‌نمایند.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوفه نمره - ۵۹

قانون اساسی که مجلس ملی آن را تصویب نموده و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری [۱۵ مهر

۱۲۸۶ خورشیدی] مطابق هشتم اکتبر ۱۹۰۷ به صحت شاه موشح گردیده.